

چکیده

قصه از انواع ابتدایی ادبیات داستانی است؛ از همین رو عناصر آن از انسجام و کمالی که در دیگر انواع ادبیات داستانی وجود دارد، برخوردار نیست و همین نکته آن را از دیگر انواع ادب داستانی متمایز می‌کند. ولادیمیر پراپ معتقد است که قصه‌های تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دارای عناصری مشترک و یکسان هستند. این پژوهش با هدف تبیین مهارت‌های خواجهی کرمانی در قصه‌پردازی و همچنین نشان دادن جایگاه قصه در مثنوی‌های بزمی و رزمی به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که خواجهی کرمانی در منظومه‌ی خود، از مواردی چون خرق عادت، پیرنگ ضعیف، کلی‌گویی، راوی دانای کل و نظایر آن بهره برده است. شخصیت‌ها براساس نظریه‌ی پراپ است. از این رو می‌توان منظومه‌ی گل و نوروز را از انواع قصه‌های پریان قرار داد. در این اثر بر عنصر خرق عادت بیشتر از سایر ویژگی‌های قصه تأکید شده است. از میان شخصیت‌های مختلف قصه، براساس نظریه‌ی پراپ، چهار دسته شخصیت قهرمان اصلی، یاری‌دهنده، شریر و مورد جست‌وجو در قصه حضور دارند. از میان خویشکاری‌های مطرح شده‌ی پراپ، نوزده نوع در این اثر مشاهده شده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات داستانی، قصه، خویشکاری پراپ، خواجهی کرمانی، گل و نوروز.